

رئیس مرکز اورژانس تهران گفت: بر اثر واژگونی یک دستگاه خودروی سمند در خیابان رجایی تهران یک نفر کشته و ۵ نفر دیگر مصدوم شدند. پیمان صادقیان در گفت‌وگو با ایسنا، درباره جزئیات این حادثه اظهار کرد: این حادثه ساعت ۶:۵۸ صبح دیرپور رخ داد که ۵ مصدوم توسط تکنسین‌های اورژانس به نزدیک‌ترین مرکز درمانی انتقال پیدا کردند.

حادثه در قاپ



له‌شدن پراید زیر چرخ کامیون - ایلام

از میان خبرها

-
-
-

کلاهبرداری میلیار دی با فروش زمین‌های دیگران

توکلی– کلاهبردار حرفه‌ای وسابقه‌دار در حالی در کرمان دستگیرشد که متهم باتهمه اسناد غیر اصل خود را مالک زمین‌ها معرفی و با فروش اموال غیرمنقول ازاین طریق میلیار دها ریال کلاهبرداری کرده‌است.
به گزارش خبرنگارگام‌پس از اعلام گزارش‌های متعدد مردمی در زمینه کلاه‌داری در حوزه زمین،بلافاصله رسیدگی به موضوع در دستور کارسیستم قضایی وپلیس قرار گرفت وپس ازشناسایی این کلاه‌بردار،دستورات قضایی برای دستگیری متهم صادر شد.

بازپرس شعبه ۴ دادسرای عمومی و انقلاب اسلامی کرمان با بیان این که متهم از سال ۹۴ تحت پیگرد قضایی قرار داشته است، اظهار کرد : سرانجام طی اقدامات پلیسی،شامگاه گذشته ، این متهم ۵۲ساله در مخفیگاهش درروستای سیرج کرمان دستگیر شد.قاضی سعیدعباس‌آبادی افزود:تاکسون ۳۵نفرعلیه متهم مذکوردراین پرونده اعلام شکایت کرده‌اندو پرونده‌ای در سه جلد با بیش از ۷۰۰ صفحه علیه متهم در شعبه ۴ این دادسر تشکیل شدو در حال رسیدگی است.

وی خاطر نشان کرد: این متهم علاوه برپرونده مطروحه در این شعبه،دارای محکومیت‌هایی مشابه در اجرای احکام دادسرای عمومی و انقلاب است که قطعا با دستگیری این کلاه‌بردار،محکومیت‌های وی اجرا خواهد شد.

وی گفت : یکی از شیوه‌های کلاهبرداران پیشنهاد فروش زمین با قیمت بسیار پایین‌تر از قیمت واقعی ملک در بازار است که در این گونه موارد نیز افراد باید دقت لازم را به عمل آورند.

علت وقوع حادثه متروی میرداماد اعلام شد



مدیرعامل شرکت بهره‌برداری متروی تهران علت وقوع حادثه روز گذشته در متروی میرداماد را تشریح کرد.
به گزارش فارس نوشت نوبخت به حادثه روز دوشنبه گذشته در متروی میرداماد اشاره کرد و گفت: گیربکس موتور پله برقی دچار مشکل شده بود که این حادثه رخ داد. وی با بیان این که فقط نقص فنی در بروز این حادثه نقش داشته و مورد دیگری نبوده‌است، گفت: هم‌اکنون مشکل برطرف شده و مترو در این ایستگاه در حال مسافرگیری است.
وی دربارهٔ آمار متناقض منتشر شده در باره تعداد مصدومان گفت: ابتدا اعلام شد ۶ نفر مصدوم شده‌اند اما بعد تعداد مصدومان ۶ نفر اعلام شد که هم‌اکنون به جز یک نفر از مصدومان بقیه شهروندان از بیمارستان ترخیص شده‌اند و مترو تا آخرین لحظه پیگیر مداوای این شهروند خواهد بود.

مدیرعامل شرکت بهره‌برداری متروی تهران و حومه ضمن عذرخواهی بابت حادثه رخ داده در متروی میرداماد گفت: در تلاش هستیم تا چنین حوادثی در آینده رخ ندهد.

فرود اضطراری هواپیمای آموزشی در البرز ۲ مصدوم داشت

رئیس مرکز فوریت‌های پزشکی استان البرز اعلام کرد که بر اثر فرود اضطراری یک فروند هواپیمای آموزشی در این استان ۲ سرنشین آن مصدوم شدند.
دکتر مهرداد بابایی در گفت و گو با ایرنا اظهار کرد: این فرود اضطراری ساعت ۱۵:۱۵ ظهر امروز (دیروز) در روستای کوشک ز شهرستان ساوجبلاغ به مرکز فوریت‌های پزشکی استان البرز اطلاع داده شد که بلافاصله نیروهای امدادی به محل حادثه اعزام شدند. این مسئول خاطر نشان کرد: خلیان ۲۸ ساله این هواپیما و خانم ۵۸ ساله سرنشین هواپیما دچار آسیب سطعی شدند.
وی اظهار کرد: مصدومان حادثه پس از انجام اقدامات پیش‌درمانی توسط نیروهای امدادی به بیمارستان امام جعفر صادق (ع) هشتگرد ساوجبلاغ انتقال داده شدند. رئیس مرکز فوریت‌های پزشکی استان البرز به جزئیات بیشتر این حادثه اشاره نکرد.

واژگونی سمند یک کشته و ۵ زخمی به جا گذاشت

واژگونی یک خودروی سمند در خیابان رجایی تهران

آزار کودک ۸ ساله تهرانی در مهمانی خصوصی

اقسام ترقه را با قیمت‌های ارزان به من‌بدهند. من هم گولشان را خوردم و همراهشان رفتم اما آن‌ها مرا به خانه‌ای بردند و مورد آزار و اذیت قرار دادند.
شکایت پسر بچه تحقیقات به دستور بازپرس شعبه هشتم دادسرای امور جنایی برای شناسایی مردان شیطان صفت آغاز شد. در بررسی‌های صورت گرفته کارآگاهان موفق به شناسایی خانه مد نظر شدند.
بدین ترتیب صاحب‌خانه‌شناسایی و برای تحقیقات به اداره آگاهی منتقل شد. صاحبخانه که مرد جوانی بود

دادستانی به ماجرای غرق‌شدن ۳ دانش‌آموز یزدی در گر جستان ورود کرد

ردپای ا رزمسافرتی در فاجعه گر جستان



به گزارش خبرگزاری صداوسیما، خانواده این دو پسر مدعی شدند مسئولان این مدرسه فوتبال به بچه‌ها گفته بودند اگر در این اردو شرکت نکنید از تیم اخراج خواهید شد. مادر یکی از این دانش‌آموزان در مصاحبه‌ای که در فضای مجازی منتشر شد، اظهار کرده که هزینه گذرنامه، ویزا و تمامی مخارج سفر را از والدین بچه‌ها دریافت کرده بودند. پدر «امیر محمد» نیز با صدایی بغض آلود گفت: «هر چندر به مسئولان این تیم فوتبال گفتیم نمی‌خواهیم بچه‌مان را به مملکت غریب بفرستیم گوش ندادندو گفتند «امیر محمد» با استعداد است. این سفر فقط ۲۰۰ هزار تومان هزینه دارد اما پسران پیشرفت می‌کند. حتی ما گفتیم هزینه‌ها خیلی زیاد شده‌و نمی‌خواهیم پسرمان را بفرستیم که گفتند اگر بچه‌تان نایاب داید ۵ میلیون تومان جریمه‌بدهید.

■ **جان باختن اردوی دانش‌آموزی به ۳ نفر رسید**
در حالی که پیشتر تعداد جان باختگان اردوی دانش‌آموزی به گر جستان ۲ نفر اعلام شده بود، اسنا گزارش داد: «مدرسه فوتبالی که یزد به برگزاری یک اردو در کشور گر جستان اقدام کرد و مبلغی راهم از ورزشکاران به عنوان هزینه دریافت کرد و نوجوانان را به کشور گر جستان برد. در جریان این سفر دو ورزشکار نوجوان یزدی در رودخانه غرق شدند و یک نوجوان دیگر هم در بیمارستان در گذشت.

■ **رئیس هیئت فوتبال : خانواده‌ها با سفر بچه‌ها**

در این میان عبدالرضا ستار، رئیس هیئت فوتبال استان

حوادث

۱۳

در امتداد تاریکی

شهر گمشده!

من قصد در گیری با مدیر مدرسه و سرایدار شان را نداشتم. مدتی است از سر ناچاری داخل خودرو به همراه ۲ فرزند کوچکم زندگی می‌کنم و به دنبال مردی می‌گردم که مرا به عقد موقت خودش در آورده بود. وقتی فهمید یکی از دوستان او سرایدار مدرسه است به منطقه اسماعیل آباد ادمم تا شاید از طریق سرایدار دپایی از همسرم پیدا کنم اما...

زن ۳۰ ساله که در پی شکایت مدیر مدرسه به کلانتری احضار شده بود در حالی که بیان می‌کرد مدتی است در فلاکت و بدبختی زندگی می‌کنم به طوری که سرووضع ۲ دختر کوچکم بسیار کثیف و آلوده است در تشریح ماجرای زندگی در داخل خودرو به کارشناس اجتماعی کلانتری سیاه‌مشهد گفت: ۵ سال قبل و در پی یک دوستی خیابانی عاشق «مراج» شدم و با او ازدواج کردم اما خیلی زود آن عشق و علاقه‌های آهنین در کوره اعتیاد ذوب شد به طوری که دیگر نمی‌توانستیم یکدیگر را تحمل کنیم آن زمان وقتی فهمیدم مراج اعتیاد دارد خودم را یک قهرمان تصور می‌کردم که می‌توانم او را از این متحلاب بیرون بیاورم ولی نه تنها این گونه نشد بلکه همسرم حتی توان پرداخت اجاره خانه را هم نداشت به همین دلیل در حالی که هنوز یک سال بیشتر از ازدواجمان نگذشته بود نوزاد تازه به دنیا آمده ام را در آغوش فشردم و با طلاق از مراج به منزل مادرم باز گشتم. مادرم بیماری سرطان داشت و صدای گریه فرزندم او را آزار می‌داد با این وجود روزگار را سببی می‌کردم تا این که چند ماه بعد یکی از همسایگان من که از عاشقی خیابانی عبرت نگرفته بودم این بار نیز درگیر عشقی واهی شدم این گونه بود که با خواندن صیغه محرمیت من به کمال به یکدیگر مدد رسیدیم. اما برای ثبت رسمی این ازدواج امروز و فردایم کرد و زیر بار این موضوع نمی‌رفت من هم که احساس می‌کردم سرنهایی یافته‌ام به اواصر نمی‌کردم تا من رنجیده خاطر نشود و بتوانیم زیر یک سقف زندگی کنیم در همین شرایط بود که «کمال» دست من و دختر کوچکم را گرفت و با خود به چالوس برد او ادعا می‌کرد کار و کاسبی خوبی در شمال کشور به راه می‌اندازد و ما را خوشبخت می‌کند من هم از این که دیگر سستی‌هایم به پایان رسیده‌است در حالی که در پوست خود نمی‌گنجیدم به همراه او راهی چالوس شدم آن‌جا بود که دختر دیگرم به دنیا آمد. اما از رونق کاروبار همسرم خبری نبود و او نمی‌توانست مخارج عادی روزانه را هم تأمین کند و همین خاطر یک‌روز صبح از خانه بیرون رفت و دیگر بازنگشت اومن و دو فرزند کوچکم را در حالی در یک شهر غریب رها کرد که تنها خودروی مدل پائینش برایم باقی مانده بود من که دیگر همه امیدم را از دست داده بودم به مشهد باز گشتم و لی نمی‌توانستم نزد مادرم باز گردم از سوی دیگر هم پول رهن خانه نداشتم و مجبور بودم برای تأمین هزینه‌های زندگی فرزندانم را در صندلی جلو بنشانم و مسافر کشی کنم شب‌ها نیز داخل خودرو می خوابیدم وقتی به پهنیستی مراجعه کردم من گفتم که فقط فرزندانم را پذیرش می‌کنند ولی من نمی‌توانستم از آن‌ها جدا شوم در این روزها بود که فهمیدم یکی از دوستان همسرم سرایدار مدرسه است به همین دلیل خودرو را مقابل مدرسه گذاشتم تا دل دوست همسرم به حال من بسوزد و آدرسی از همسرم بدهد اما او نه تنها آدرسی نداد بلکه با من درگیر شد. شایان ذکر است به دستور سرگرد عباس‌زمنی، (رئیس کلانتری سپاه) اقدامات مددکاران اجتماعی درباره ادعاهای این زن و معرفی وی به مراکز امدادی آغاز شد.

■ **مراج واقعی با همکاری پلیس پیشگیری رخسار رضوی**
مراج در حالی که در پی شکایت مدیر مدرسه به کلانتری احضار شده بود در حالی که بیان می‌کرد مدتی است در فلاکت و بدبختی زندگی می‌کنم به طوری که سرووضع ۲ دختر کوچکم بسیار کثیف و آلوده است در تشریح ماجرای زندگی در داخل خودرو به کارشناس اجتماعی کلانتری سیاه‌مشهد گفت: ۵ سال قبل و در پی یک دوستی خیابانی عاشق «مراج» شدم و با او ازدواج کردم اما خیلی زود آن عشق و علاقه‌های آهنین در کوره اعتیاد ذوب شد به طوری که دیگر نمی‌توانستیم یکدیگر را تحمل کنیم آن زمان وقتی فهمیدم مراج اعتیاد دارد خودم را یک قهرمان تصور می‌کردم که می‌توانم او را از این متحلاب بیرون بیاورم ولی نه تنها این گونه نشد بلکه همسرم حتی توان پرداخت اجاره خانه را هم نداشت به همین دلیل در حالی که هنوز یک سال بیشتر از ازدواجمان نگذشته بود نوزاد تازه به دنیا آمده ام را در آغوش فشردم و با طلاق از مراج به منزل مادرم باز گشتم. مادرم بیماری سرطان داشت و صدای گریه فرزندم او را آزار می‌داد با این وجود روزگار را سببی می‌کردم تا این که چند ماه بعد یکی از همسایگان من که از عاشقی خیابانی عبرت نگرفته بودم این بار نیز درگیر عشقی واهی شدم این گونه بود که با خواندن صیغه محرمیت من به کمال به یکدیگر مدد رسیدیم. اما برای ثبت رسمی این ازدواج امروز و فردایم کرد و زیر بار این موضوع نمی‌رفت من هم که احساس می‌کردم سرنهایی یافته‌ام به اواصر نمی‌کردم تا من رنجیده خاطر نشود و بتوانیم زیر یک سقف زندگی کنیم در همین شرایط بود که «کمال» دست من و دختر کوچکم را گرفت و با خود به چالوس برد او ادعا می‌کرد کار و کاسبی خوبی در شمال کشور به راه می‌اندازد و ما را خوشبخت می‌کند من هم از این که دیگر سستی‌هایم به پایان رسیده‌است در حالی که در پوست خود نمی‌گنجیدم به همراه او راهی چالوس شدم آن‌جا بود که دختر دیگرم به دنیا آمد. اما از رونق کاروبار همسرم خبری نبود و او نمی‌توانست مخارج عادی روزانه را هم تأمین کند و همین خاطر یک‌روز صبح از خانه بیرون رفت و دیگر بازنگشت اومن و دو فرزند کوچکم را در حالی در یک شهر غریب رها کرد که تنها خودروی مدل پائینش برایم باقی مانده بود من که دیگر همه امیدم را از دست داده بودم به مشهد باز گشتم و لی نمی‌توانستم نزد مادرم باز گردم از سوی دیگر هم پول رهن خانه نداشتم و مجبور بودم برای تأمین هزینه‌های زندگی فرزندانم را در صندلی جلو بنشانم و مسافر کشی کنم شب‌ها نیز داخل خودرو می خوابیدم وقتی به پهنیستی مراجعه کردم من گفتم که فقط فرزندانم را پذیرش می‌کنند ولی من نمی‌توانستم از آن‌ها جدا شوم در این روزها بود که فهمیدم یکی از دوستان همسرم سرایدار مدرسه است به همین دلیل خودرو را مقابل مدرسه گذاشتم تا دل دوست همسرم به حال من بسوزد و آدرسی از همسرم بدهد اما او نه تنها آدرسی نداد بلکه با من درگیر شد. شایان ذکر است به دستور سرگرد عباس‌زمنی، (رئیس کلانتری سپاه) اقدامات مددکاران اجتماعی درباره ادعاهای این زن و معرفی وی به مراکز امدادی آغاز شد.

حریق در ساختمان اداری ۱۰ طبقه در خیابان آفریقا



آتش سوزی در یک ساختمان اداری در خیابان آفریقا –بولوار صبارخ داد که به سرعت آتش نشانان ۱۳ ایستگاه به محل حادثه اعزام شدند.

سید جلال ملکی به ایسکانیوز گفت: ساعت ۴۱ و ۹ صبح امروز (دیروز) یک مورد آتش سوزی در ساختمان اداری در خیابان آفریقا بولوار صبا اعلام شد و سه ایستگاه آتش نشانی با تجهیزات کامل به محل حادثه اعزام شدند. وی با اشاره به این که محل آتش سوزی یک ساختمان اداری ۱۰ طبقه بود که آتش سوزی در طبقه نهم و دهم رخ داده بود گفت: زمانی که آتش نشانان به محل حادثه رسیدند چند نفر لب پنجره ها تقاضای کمک می‌کردند که آتش نشانان موقع شدنند ۵ مصدوم را خارج کنند. هم‌اکنون علت اولیه وقوع این حادثه شعله ور شدن تینر در طبقه ششم این ساختمان که در حال نقاشی بود ذکر شده‌است.



معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ از دستگیری برادری که به قتل برادرش اقدام کرده بود، خبر داد.

به گزارش ایسنا، وقوع درگیری منجر به قتل در ساعت ۱۱ روز ۲۲ خرداد به مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ اعلام شد که در پی آن عوامل کلانتری ۱۶۹ مشیریه در محل وقوع درگیری در پارک بهاجال اعزام شدند.

پس از حضور مأموران در محل مشخص شد جوان ۲۵ ساله افغانستانی بر اثر اصابت جسم تیز به ناحیه سینه دچار خون‌ریزی شدید شده و فوت کرده‌است که پرونده

مقدماتی با موضوع قتل عمد تشکیل شد و برای ادامه رسیدگی در اختیار اداره دهم و نیمه و قتل پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت.

با آغاز تحقیقات میدانی، کارآگاهان اداره دهم در محل جنایت حاضر و در همان تحقیقات اولیه از شاهدان صحنه درگیری موفق به شناسایی برادر مقتول به نام خدایار ۲۲ ساله به عنوان متهم پرونده شدند که طی درگیری، با چاقو ضربه‌ای به برادرش زده و پس از آن از محل متواری شده‌است.

قصد رفتن به افغانستان را داشت و به همین علت مبلغی را به امانت نزد من گذاشت، از ترس سرق پول، موضوع را با برادرم در میان گذاشتم و نهایتاً تصمیم بر آن شد تا پول را به برادرم داده تا او را در خانه‌اش نگهداری کند پس از آن که صاحب پول مجدد به تهران آمد و برای تحویل گرفتن پول نزد برادرم رفتم، در کمال تعجب وی

قصد رفتن به افغانستان را داشت و به همین علت مبلغی را به امانت نزد من گذاشت، از ترس سرق پول، موضوع را با برادرم در میان گذاشتم و نهایتاً تصمیم بر آن شد تا پول را به برادرم داده تا او را در خانه‌اش نگهداری کند پس از آن که صاحب پول مجدد به تهران آمد و برای تحویل گرفتن پول نزد برادرم رفتم، در کمال تعجب وی